

حرف درشت

هاله نور و حال شور

پوریا عالمی

سلام آقای نویخت

پرسیده بودید «شما کی رأی داده بودید که حالا از رأی‌دادن پشیمان هستید؟» و بعد هم خنده نخودی به ریش رأی‌دهندگان پشیمان فرمودید. خواستم بگویم اتفاقا ما از رأی‌دادن پشیمان نیستیم، منتها از همین نگاه از بالای شما مسئولان به پایین ما مردم نگرانیم. الان عصر رسانه‌های عمومی است و فیلم شما که به ما می‌خندید مثل آن وزیر که منتقدش را لات می‌خواند تا آن وزیر وو... دست‌به‌دست می‌شود. شما شاید به رأی‌های ما در دوره بعد نیاز ندارید و خیالتان راحت است که امروز رأی ما را به خنده بگیرید. شاید فراموش کرده‌اید که «همین مخاطبان فضای مجازی» که پوچش شمردید، این قدر «تکرار» کرد که اسم دولت متیوخ شما دربیاید وگرنه فکر می‌کنید «رای‌های خاموش» که دنبالش بودید پای اظهارات شما در تلویزیون نشسته بودند؟! به این رأی‌ها بخندید، اما کمبین‌هایتان را فراموش نکنید که یک سرش در «فضای مجازی» بود. فراموش نکنید نظرسنجی‌ها تا هفته آخر چطور بود.

ما امروز فقط منتقدیم که پشت تریبون ما را دست می‌اندازید. ما را حتما فراموش کرده‌اید وگرنه از پشت همین تریبون – هنوز یادمان نرفته – که بالا و پایین می‌پریدید و برایمان دست تکان می‌دادید.

آقای نویخت

ععب این تریبون – با آن میکروفن همیشه‌یک‌طرفه‌اش – این است که به آدم قدرت عجیبی می‌دهد. یکی را در هاله نور می‌برد و یکی را در حال شور؛ آن هم چه شور سرخوشانه‌ای؛ نه به آن شوری، نه به این بی‌نمکی.

آقای نویخت

این تریبون با آن چهارپایه که پشتش پنهان می‌کنند، قد آدم را بلندتر می‌کند و کاری می‌کند آدم از بالا به پایین – به ما مردم در فضای حقیقی و مجازی – نگاه کند.

آقای نویخت

پرسیده بودید «شما کی رأی داده بودید که حالا از رأی‌دادن پشیمان هستید؟» و بعد هم خنده نخودی به ریش رأی‌دهندگان پشیمان فرمودید. خواستم بگویم درست‌جمعه، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ بود؛ همان‌موقع که محمداقبر دیگری رقیب شما بود و شما داشتید هشتگ‌ها و لایک‌هایتان را در فضای مجازی چک می‌کردید.

آقای نویخت

ما حقیقی هستیم، اما به هر دلیلی به فضای مجازی مهاجرت کرده‌ایم. به ما وقتی می‌خندید لطفا فراموش نکنید برای اینکه شما آنجا بایستید و به ما بخندید، ما خون دل‌ها خورديم. ممنون. پوریا عالمی (یک فعال خنده‌دار فضای مجازی و حقیقی)

آن سوی دنیا

گفت و گوی پرنس هری با اواما



● پرنس هری با باراک اوباما مصاحبه‌ای به تعبیر رسانه‌های انگلیسی جذاب و چالشی انجام داده است. سؤالاتی در انتهای مصاحبه پرسیده بود و از او خواسته بود یین دو گزینه نزدیک یکی از آنها را انتخاب کند. این مصاحبه ۵ عصر از رادیو ۴ بی‌بی‌سی پخش شد؛ اما تلگراف چند سؤال را که شاید برای مردم روزمره‌تر بود، انتخاب کرده بود و از آنها خواسته بود تا جواب اواما را حدس بزنند. یکی از آن سؤوال‌ها، این بود که اواما بین دو سریال «زن خوب» و «سوئیت» کدام را انتخاب می‌کند. هردوی آنها درباره فعالیت‌وکلا است، البته نقش محوری یکی از آنها بر عهده یک زن وکیل است. کدام دو فیلم را دوست دارد، «تایتانیک» یا «بادیگارد»، «سیگار» بیشتر دوست دارد یا «آدامس»، بین پرنس «هری» یا پرنس «ویلیام» کدام را ترجیح می‌دهد. با آخرین ۵ دلار خود بلیت بخت‌آزمایی می‌خرد یا همبرگر؟ کاخ سفید را ترجیح می‌دهد یا کاخ باکینگهام؟ لبروان جیمز را مایکل جردن؟ البته یکی از بخش‌هایی که از سوی رسانه‌ها به‌شدت از آن استقبال شده است، همداری است که اواما نسبت به استفاده «غیرمسئولانه» رهبران سیاسی از شبکه‌های اجتماعی داده است. از نظر اواما، اطلاع‌رسانی غلط سبب می‌شود تا دانشه‌های مردم از مسائل پیچیده دچار مشکل شود و اطلاعات نادرست منتشر شوند.

هرچند رئیس‌جمهور سابق آمریکا در اولین مصاحبه خود از «دونالد ترامپ» نامی نبرده، اما به نظر می‌رسد روی صحبت او با رئیس‌جمهور کنونی آمریکا باشد. ترامپ که در نظرسنجی روزهای آخر سال به‌عنوان پینوکیوی سال و تنبل‌ترین رئیس‌جمهور با گذراندن ۱۱۱ روز در تعطیلات انتخاب شده است، طبق بررسی‌های نیوزویک، بیش از ۴۰ ساعت از وقت خود را در توئیتر گذرانده است، آن هم اگر انتشار هر تویت بدون فکرکردن فقط یک‌دقیقه طول کشیده باشد. هرچند ترامپ در ماه جولای تویت‌هایش را نشانه یک ریاست‌جمهوری مدرن دانست. این گفت‌وگو در سپتامبر در تورنتو ضبط شده بود.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۷ دی ۱۳۹۶ • ۹ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹ • ۲۸ دسامبر ۲۰۱۷ • سال یازدهم • شماره ۳۰۴۶ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۰۶ • اذان مغرب ۱۷:۱۹ • اذان صبح فردا ۵:۴۴ • طلوع آفتاب ۷:۱۳

روزنفرها

کارتون خواب

جلال پیرمیرز آباد

مصرف ۸ میلیون لیتر بنزین پس از زلزله اخیر در استان تهران



آکادمی

چرا تملک خودروی شخصی رو به انحطاط است؟!



وجید شامخی
مشاور مدیریت استراتژیک

اشتراکی داشته است. بازیگران و رقبا در این حوزه بسیار زیاد هستند و به واسطه تحولات این حوزه، حوزه‌های دیگر نیز پیشرفت قابل‌توجهی خواهند داشت. اما در دنیا، جابه‌جایی اشتراکی حداقل چهار گونه دارد که یکی از این گونه‌ها، همان تاکسی‌های اینترنتی، در ایران رونق بیشتری داشته است. برای مثال، گونه دومی اشتراک‌گذاری خودرو شخصی اما بدون راننده (خودرو اجاره داده می‌شود) است چراکه در بسیاری از مواقع خودروهای شخصی در جایی پارک شده‌اند و استفاده نمی‌شوند. یا گونه سوم برای به اشتراک‌گذاشتن دوچرخه‌های معمولی و برقی است که رشد صعودی دارد. شرکی به نام بیت‌لاک قفل جالبی ساخته است که با بلوتوث باز و بسته می‌شود و شما می‌توانید دوچرخه‌تان را در زمان‌هایی که نیاز ندارید به افراد دیگر اجاره دهید و گونه چهارم نیز به اشتراک‌گذاری جای پارک است. خیلی وقت‌ها در شهرهایی مثل تهران مشکل جای پارک وجود دارد، از طرفی خیلی از ساختمان‌ها جای پارک خالی دارند. شرکی به نام جاست پارک، بستری درست کرده تا افراد دارای جای پارک اضافی در برخی ساعت‌های شبانه‌روز و از سوی دیگر افرادی که به جای پارک نیاز دارند، از این فضا بهره ببرند؛ در نتیجه اگر برای نیم ساعت، یک ساعت یا چند ساعت در محل پرتراфик و شلوغی از شهر کار دارید، همیشه مشکل جای پارک هست و می‌توانید از قبل جای پارک خود را رزرو کنید! البته تعدادی وب‌سایت داخلی هم چنین گونه‌ای را به‌ویژه در شهرهایی به‌غیر از تهران مثل تبریز آغاز کرده‌اند که شاید هنوز جای کار بیشتری داشته باشد!

همان‌طور که خیلی از سرویس‌هایی که همین امروز در حال کار هستند چند سال قبل به نظر نشدنی یا خیلی عجیب می‌آمدند، اینها هم می‌توانند چند سال دیگر برایمان عادی، کاربردی و حتی ضروری شوند. چنین سرویس‌هایی هم به رونق اقتصادی کمک می‌کنند، هم به آلودگی و محیط زیست و هم به معضل ترافیک در شهرهای بزرگ؛ اما جالب‌تر از تبعات مثبت آنها در آینده، این روندها یکی از دغدغه‌های معمول زندگی امروزمان را زیر سؤال می‌برند؛ دغدغه‌ای به نام مالکیت شخصی خودروها و وسایل نقلیه! خودروها به سمت خودران‌شدن حرکت می‌کنند، اقتصاد اشتراکی و جابه‌جایی اشتراکی در حال رشد سریع است؛ در نتیجه دغدغه و نیاز به داشتن خودرو شخصی در ۲۰ تا ۳۰ سال آینده، شاید کاملاً بی‌معنی باشد!



بهروز غریب‌پور

متأسفانه این امکان پدید نیامد که خانم «دنیا فنی‌زاده» با من به‌عنوان مدیر مرکز تئاتر غروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری کند یا در سایر آثاری که روی صحنه برده‌ام، به‌عنوان بازی‌دهنده در گروه من حضور داشته باشد؛ چراکه تمرکزشان بیشتر بر اجراهای غروسکی تلویزیونی بود. یکی از خصوصیات خانم دنیا فنی‌زاده این بود که خلق‌وخوی پدر ارجمندش (پرویز فنی‌زاده)، آن بازیگر پرتوان را داشت و همان خوش‌رویی و همان محبتش باعث شده بود تا خیلی از دوستان نمایشگر غروسکی او را یادگاری از فنی‌زاده بزرگ تلقی کنند. خانواده فنی‌زاده پس از فوت پرویز فنی‌زاده دچار مشکلات فراوانی شدند و مادر دنیا فنی‌زاده دو دختر عزیزش را در سخت‌ترین شرایط بزرگ کرد. پرویز فنی‌زاده در عزلت و ناکامی فوت کرد و در شرایط

اتفاق

زلزله‌ای که تهران را نابود می‌کند

سیدحسین مهر آوران

● ۱- محاسبات ریاضی، ریتم ۲۰۰ساله را برای زلزله تهران نشان می‌دهد و طبق محاسبات، از این ۲۰۰ سال ۱۸۵ سال گذشته و ۱۵ سال باقی مانده است... به وضعیت تهران پس از وقوع زلزله هیچ امیدی ندارم؛ بگذارید یک جمله بگویم، زلزله تهران تصویر آخرالزمان را زنده خواهد کرد. / قانون، گفت‌وگو با دکتر عکاشه، پدر علم زلزله‌شناسی در ایران
ایمان دارم که تهران یک روزی نابود خواهد شد؛ من به این ایمان دارم. / گفت‌وگوی رشیدپور با دکتر عکاشه
به دنبال زلزله مرز استان تهران- البرز، مرز تنش در دو سوی گسل بالا می‌رود. اگر هرکدام از گسل‌ها (شمال تهران در شرق و اشتهارد در غرب) آماده حرکتی باشند؛ تغییر سطح تنش «می‌تواند» در آنها حرکت ایجاد کند... با توجه به زلزله‌های پی‌درپی گذشته، از ساعات اولیه تا حدود سه ماه بعد، سؤالات را در صورتی دقیق‌تر می‌توان پاسخ داد که امکانات رصدی دقیق‌تری در اختیار باشد. / گفت‌وگوی دکتر زارع، استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله با اخبار نیمروزی
۲- درخصوص زلزله اجتناب‌ناپذیر تهران چه تمهیداتی اندیشیده‌ایم و هشدارهای مکرر کارشناسان درخصوص چاره‌اندیشی برای بافت‌های فرسوده و متراکم شهری، مقاوم‌سازی و بهسازی لرزه‌ای نهاده‌های حاکمیتی، ساختمان‌های اداری، مدارس، بیمارستان‌ها و... را چگونه پاسخ گفته‌ایم؟ نهاده‌ا و سازمان‌های مسئول مدیریت بحران در چه سطحی از آمادگی درخصوص زلزله احتمالی تهران به‌سرس می‌برند؟ بافت عمدتا فرسوده بیمارستان‌های دولتی تا چه اندازه توان مدیریت چندصد هزار مصدوم کابوس محتمل پیش‌رو را خواهند داشت؟ تعداد و موقعیت ایستگاه‌های آتش‌نشانی درون شهری تا چه اندازه اطمینان‌بخش در برابر فاجعه پیش‌روست؟ در بودجه سالانه سنوات گذشته و سال پیش‌رو، کدام ردیف/ ردیف‌های بودجه‌ای به پیشگیری از تبعات محتمل زلزله پایتخت اختصاص یافته است؛ زلزله‌ای که ممکن است خسارات و شدت فاجعه آن کشور را فلج کند؟ چه هزینه‌هایی صرف طرح‌های غیرضروری نظیر هسمان‌سازی پیاده‌روها برای شهری نشسته بر بمبی ساعتی می‌شود و چرا این هزینه‌ها مدیریت نمی‌شود؟

۳- بحران پلاسکو با همه ابعاد آن روایت صریحی بود از توان مدیریت شهری در تهران. نمی‌دانم ما را چه می‌شود که زلزله تهران را باور نداریم. فاجعه زلزله تهران در کمین است. برای «بزرگ‌ترین فاجعه سه قرن اخیر»، چاره‌ای کنیم.

۱- دکتر فربرز ناطق‌الهی / خبرآتلاین

متخصص داخلی و فلوشیپ ریه

پژوهش

● ایسنا: نتایج پژوهش محققان ایرانی نشان می‌دهد: انتخاب «نام» نامناسب برای فرد، می‌تواند در بروز برخی ناهنجاری‌های تحصیلی او در دوران مدرسه نقش داشته باشد. یافته‌های عمده این مطالعه نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که رضایت کمتری از نام خود دارند، دارای اضطراب کلاسی بیشتر، حرمت خود کم‌تر، کم‌روبی بیشتر و عملکرد تحصیلی ضعیف‌تری هستند. طبق این نتایج، پسران در مقایسه با دختران دچار عملکرد تحصیلی ضعیف‌تری می‌شوند، اما در سایر موارد نظیر اضطراب کلاس درس، حرمت خود و کم‌روبی، تفاوتی در این دو گروه جستی دیده نمی‌شود.

یاد

به مناسبت سالگرد درگذشت دنیا فنی‌زاده

یادگاری از گذشته

هدر می‌رود. براساس این می‌توانم بگویم که دنیا فنی‌زاده با عنایت برخی از دوستان و انسان‌های وفاداری مانند مرضیه برومند توانست بخشی از مشکلاتش را حل کند. و دیگران هم به داد او رسیدند؛ اما این کفایت نمی‌کند. ما باید چنین استعدادهایی را شناسایی کنیم و علاوه بر آن، از هر حیث، حتی در انتخاب راه و روش کاری و هنری مورد توجه قرار دهیم. در چنین شرایطی است که می‌توانیم به هنرمندان جوان کمک کنیم. حدود یک ماه پیش از آنکه دنیا فنی‌زاده فوت کنند، ایشان را در «خانه غروسک» دیدم، «خانه غروسک» خانه‌ای بود که خانم برومند با حمایت معاونت هنری مرکز هنرهای نمایشی و با حمایت موقت شهرداری دایر کرده بودند. درحال‌حاضر متأسفانه ساختمان استیجاری آن را از آنان گرفته‌اند و امیدوارم که خانه غروسک دوباره در جای دیگری شکل بگیرد، چون چراغی بود برای بعضی از دوستان نمایش غروسکی و هرچه از این خانه‌ها و مؤسسات بیشتر داشته باشیم، نسل جوان هنرمندان پناهگاه پیدا می‌کنند و سرنایه بیشتری خواهند داشت و گفت‌وگو و تعامل میان هنرمندان بیشتر خواهد شد.

تحلیل

حقوق کدام زنان؟

جایگاه زنان را تقویت می‌کرد. بنابراین علاوه‌بر طبقه اقتصادی، سکولاربودن نیز ویژگی مشترک زنان فعال در جنبش‌های حقوق زنان قبل از انقلاب محسوب می‌شد. همان‌طور که اشاره شد، وقوع انقلاب اسلامی، آرایش قدیمی طبقات نیروهای زنان فعال در عرصه عمومی جامعه را برهم زد. امام خمینی به‌عنوان پرنفوذترین مرجع دینی آن زمان، با فراخواندن زنان به مبارزه سیاسی علیه رژیم شاه و به‌رسمیت‌شناختن حق مشارکت سیاسی آنها، تابوی حضور زنان مذهبی در عرصه‌های عمومی جامعه را در هم شکست و برای اولین‌بار سبب حضور عظیم زنان مذهبی در مبارزات و تظاهرات‌های خیابانی شد. این امر حرکتی رو به جلو در زندگی زنان مذهبی سنتی در هر دو طبقه اقتصادی متوسط و پایین جامعه ایجاد کرد که در سال‌های پس از انقلاب با تسهیل شرایط برای حضور آنان در عرصه‌های علمی، آموزشی، بازار کار و همچنین به‌کارگماشتن آنها در برخی مناصب سیاسی به‌شدت تقویت شد. از سوی دیگر برخی سیاست‌های درپیش‌گرفته‌شده پس از انقلاب، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان طبقه متوسط را به‌ویژه در سال‌های اولیه پس از انقلاب به طور چشمگیری محدود کرد و بسیاری از فعالان حوزه حقوق زنان را به خارج از مرزهای کشور راند. اگر این امر را بپذیریم که جمعیت زنان مذهبی جامعه در طبقه اقتصادی پایین بیش از طبقه متوسط است، با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که وقوع انقلاب اسلامی اثرات کاملاً متضادی بر زندگی زنان مذهبی طبقه پایین و زنان سکولار طبقه متوسط داشته است. این آثار دوگانه سبب شد که در سال‌های پس از انقلاب، منافع زنان این دو طبقه به‌تدریج از هم فاصله بگیرد. از سوی دیگر زنان طبقه پایین جامعه اغلب با مشکلاتی مانند فقر، خودسریستی خناور و محدودیت‌های بازار اشتغال دست‌وپنجه نرم می‌کنند که جزء اولویت‌های خواسته‌بندی جداجانهای برای تعریف و مطالعه مجازی نمی‌رود. این تفاوت در خواسته‌ها ناشی از تفاوت در جایگاه طبقاتی و نگرش‌های مذهبی و سکولار است که می‌توان آنها را در همان قالب مفهوم سیستم‌های متقاطع که در ابتدای متن گفته شد، تعریف و مطالعه کرد. حال آنکه در ادبیات فمینیسم در جامعه ما نه‌تنها طبقه‌بندی جداجانهای برای تعریف و مطالعه مجازی این خواسته‌ها وجود ندارد بلکه فعالان عرصه حقوق زنان از طبقات اقتصادی متفاوت و با گرایش‌های مذهبی گوناگون بدون توجه به خاستگاه‌های طبقاتی و فکری خود، خواسته‌های گوناگونی را مطرح می‌کنند که ممکن است برد مورد انتظار آنان را در جامعه نداشته باشند. از دیگر نتایج بی‌اهمیتی به این مفهوم، خلط اولویت دغدغه‌های زنان طبقه متوسط و پایین جامعه با یکدیگر است که سبب ایجاد شکاف‌ها و اختلاف نظرهای غیر ضروری در جبهه فعالان حقوق زن می‌شود. به عنوان مثال، صحبت‌های چند ماه پیش لیلی گلستان در مورد جالش‌های پیش‌رویش به عنوان یک زن مستقل در جامعه در تذاک تهران سبب بروز موجی از انتقادها با این مضمون شد که شرایط زندگی، خواسته‌ها و دغدغه‌های وی از عموم زنان جامعه به دور است و بنابراین توصیه‌های وی برای آنان نه مفید و نه راهگشاست. حال آنکه سرگذشت، مشکلات و جالش‌های پیش‌روی لیلی گلستان از منظر یک زن سکولار طبقه متوسط بیان شده و طبعاً مخاطبان خاص خود را دارد. اگر تفاوت‌های طبقاتی در نظر گرفته شوند بسیاری از این انتقادها محلی از اعراب نخواهند داشت چراکه اساساً دیدگاه‌های زنی از جایگاه طبقاتی خاص خانم گلستان نه قادر و نه قرار است که به زنان کل جامعه تعمیم داده شود. زنان طبقات گوناگون می‌توانند و نباید منافع و خواسته‌های جداجانه خود را تعریف و بر آنها پافشاری کنند. این نقد بر عدم استفاده از مفهوم سیستم‌های متقاطع، در اصل نه به فعالان حقوق زن بلکه به نظریه‌پردازان انگشت‌شمار ادبیات و نظریه‌هاست که می‌تواند یکی از منابع مهم و فرهنگ عرفی و سنتی حاکم بر قشر مذهبی نیز این